

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه

سطح ۲

درس ۹

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای سلگی

مقدمه

هرانسانی برای رشد روحی و معنوی خود نیازمند به عبادت و ارتباط با غنی علی الاطلاق است تا با ارتباط برقرار کردن با او احتیاج و نیاز خود را بر طرف نماید. به همین خاطر خداوند از روی لطف و رحمت، عبادات مختلفی را برای انسان تقنین و تنظیم نموده است تا انسان به وسیله آنها به خداوند نزدیک شود.

یکی از مهمترین عبادات در اسلام نماز است و خداوند برای بهتر برقرار شدن این ارتباط بین عبد و مولی شرایطی را بیان کرده که ما در این سلسله دروس به تبیین این شرائط می پردازیم. در درس های گذشته به تبیین شرائطی مثل وقت، قبله، طهارت، و ستر عورت پرداختیم در این درس به بررسی شرایطی که خداوند برای لباس نمازگزار مقرر نموده است خواهیم پرداخت.

متن عربى

٢. و اما ان العورة فى حق الرجل ما ذكر دون ما زاد كالعجان فيكفى لثنى الزيادة عدم الدليل عليها، و لإثبات المقدار المذكور صحيحة زرارة الواردة فيمن سلبت ثيابهما و أرادا الصلاة: «... و ان كان رجلا وضع يده على سوائه ثم يجلسان فيوميان ايماء و لا يسجدان و لا يركعان فيبدو ما خلفهما...»^١

٣. و اما تحديد عورة المرأة فى الصلاة بما ذكر فهو المشهور. ويمكن استفادته من صحيحة على بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام: «المرأة ليس لها إلا ملحفة واحدة كيف تصلى؟ قال: تلتف فيها و تغطي رأسها و تصلى فإن خرجت رجلها و ليس تقدر على غير ذلك فلا بأس»^٢

و اما جواز ابراز الوجه بالمقدار المذكور ، فلروايات الخمار، ففي موثقة ابن ابي يعفور : «قال : ابو عبد الله(عليه السلام): تصلى المرأة فى ثلاثة اثواب :ازار و درع و خمار...»^٣ بل قد يستفاد ذلك من التعبير بجملة «تغطي رأسها» الوارد فى الصحيحة السابقة.

اما الكفان و القدمان فيكفى لإثبات استثنائهما القصور فى المقتضى.

و ذيل صحيحة على بن جعفر المتقدمه لا يدل على وجوب ستر جميع الرجل عند القدرة بل على وجوب سترها فى الجملة

٤. و اما الاباحة فالمعروف اعتبارها فى اللباس المصلى و فى مكانه بالرغم من عدم وجود رواية تدل على ذلك.

اما لباسه فقد اختلف فى المقدار اللازم اباحتها، فليل باعتبارها فى جميع اللباس. و قيل باعتبارها فى خصوص ما يتحقق به ستر العورة دون ما زاد.

و قد يستدل على الاعتبار بان التستر حيث انه واجب فى الصلاة فلا، يجوز ان يكون بالمغصوب لاستحالة ان يكون الحرام مصداقا للواجب. و نتيجة ذلك اعتبارها فى خصوص الساتر للعورة.

٥. و اما اعتبار عدم كونه من أجزاء ما لا يؤكل لحمه فلموثقة ابن بكير: «سأل زرارة أبا عبد الله عليه السلام عن الصلاة فى الثعالب و الفنك و السنجاب و غيره من الوبر فأخرج كتابا زعم انه املاء رسول الله صلى الله عليه و آله ان الصلاة فى وبر كل شيء حرام أكله فالصلاة فى وبره و شعره و جلده و بوله و روثه و كل شيء منه فاسد...»^٤.

٦. و اما اعتبار ان لا يكون من أجزاء الميتة فلموثقة ابن بكير المتقدمه حيث ورد فى ذيلها: «فان كان ممّا يؤكل لحمه فالصلاة فى وبره ... و كل شيء منه جائز إذا علمت انه ذكى»^٥.

١. وسائل الشيعة؛ باب ٥٠ من ابواب لباس المصلى، حديث ٦.

٢. وسائل الشيعة؛ باب ٢٨ من ابواب لباس المصلى، حديث ٢.

٣. وسائل الشيعة؛ باب ٢٨ من ابواب لباس المصلى، حديث ٨.

٤. وسائل الشيعة؛ باب ٢ من ابواب لباس المصلى، حديث ١.

٥. كافي؛ ج ٣، ص ٣٩٧.

٧. و اما عدم جواز لبس الذهب للرجال فلموثقة عمّار عن أبي عبد الله عليه السلام: «لا يلبس الرجل الذهب و لا يصلّي فيه لأنه من لباس أهل الجنة»^١ و بضمّ قاعدة النهي عن العبادة مفسد لها يثبت فساد الصلاة. و وجه التخصيص بالرجال اختصاص الموثقة بذلك.
٨. و اما انه لا يكون من الحرير الخالص فلمكاتبة محمد بن عبد الجبار: «كتبت إلى ابي محمد عليه السلام أسأله هل يصلّي في قلنسوة حرير محض أو قلنسوة ديباج؟ فكتب عليه السلام: لا تحلّ الصلاة في حرير محض»^٢.
- و اما التخصيص بالرجال فلموثقة سماعة: «لا ينبغي للمرأة ان تلبس الحرير المحض و هي محرمة...»^٣ فان التخصيص بحالة الاحرام قد يفهم منه الجواز في غيرها.

١. وسائل الشيعة؛ باب ٣٠ من ابواب لباس المصلي، حديث ٤.

٢. وسائل الشيعة؛ باب ١١ من ابواب لباس المصلي، حديث ٢.

٣. وسائل الشيعة؛ باب ١٦ من ابواب لباس المصلي، حديث ٤.

وجوب ستر عورت در نماز

قبلاً بیان شد که یکی از شرایط صحت نماز ستر عورت است و در ذیل این بحث، هشت عنوان مطرح کردیم که عبارت بودند از:

۱. وجوب ستر عورت در نماز: یعنی بر نمازگزار واجب است عورت خود را در نماز بپوشاند.
۲. مراد از عورت مرد: منظور از عورت مرد سه عضو از بدن اوست، یعنی آلت مردانگی، بیضتین و مقعد.
۳. مراد از عورت زن: منظور از عورت زن تمام بدن اوست، مگر موارد استثناء شده، یعنی دست تا مچ، پا تا فوژک، و قرص صورت.
۴. لباس مصلی باید مباح و غیر غصبی باشد.
۵. لباس نمازگزار از حیوان حرام گوشت نباشد.
۶. لباس نمازگزار از اجزاء میتة نباشد.
۷. لباس نمازگزار مرد از طلا نباشد.
۸. لباس نمازگزار مرد از حریر خالص نباشد.

مستند این احکام

مستند حکم اول قبلاً گذشت^۱.

مستند حکم دوم

روایت وارده در این موضوع صحیحه زراره در مورد کسی است که لباس هایش درآورده شده و می خواهد نماز بخواند حضرت فرمود: اگر کسی که می خواهد نماز بخواند مرد است دستش را بر آلت خود قرار می دهد و می نشیند و برای رکوع و سجده اشاره می کند تا پشت او ظاهر نشود.

این صحیحه فقط دلالت بر پوشش سه عضو از بدن مرد (آلت مردانگی، بیضتین و مقعد) می کند و دلیلی بر وجوب پوشش بیش از این مقدار دلالت نمی کند؛ حتی دلیل بر وجوب پوشش بین بیضتین و مقعد وجود ندارد و هر کجا نسبت به تکلیفی شک داشته باشیم؛ دلیل معتبری وجود نداشته باشد برائت جاری می شود و در نتیجه لازم نیست آن تکلیف انجام شود.^۲

مستند حکم سوم

^۱ دلیل این حکم صحیحه صفوان بود که عبارت بود: انه كتب إلى أبي الحسن عليه السلام يسأله «عن الرجل معه ثوبان فأصاب أحدهما بول و لم يدر أيهما هو و حضرت الصلاة و خاف فوثها و ليس عنده ماء كيف يصنع؟ قال: يصلی فیهما جمیعا» (وسائل الشیعه؛ باب ۵۰، من ابواب لباس المصلی، حدیث ۶). فانه بترک الاستفصال يفهم وجوب الستر و إلیا كان المناسب الاكتفاء بالصلاة عاريا حالة الأمن من الناظر.

^۲ روایت وارده در این موضوع صحیحه زراره است که در مورد کسی که لباس ندارد و می خواهد نماز بخواند می فرماید: «... و ان كان رجلا وضع يده على سواته ثم يجلسان فيوميان ايماء و لا يسجدان و لا يركعان فيبدو ما خلفهما...».

علاوه بر اینکه مشهور علما می فرمایند: زن باید تمام بدن خود را در نماز بپوشاند صحیحه علی بن جعفر هم بر آن دلالت می کند چون در این صحیحه از حضرت سؤال شد، زنی که هیچ لباسی ندارد به جزء یک ملحفه چگونه نماز بخواند؟ حضرت فرمود: ملحفه را به دور خود بپوشاند و سر خود را نیز بپوشاند و نماز بخواند.^۱

دلیل استثناء دست و پا تا میچ و قرص صورت

اما دلیل استثناء قرص صورت

الف. در روایت آمده است که زن سه لباس باید داشته باشد ۱. خمار ۲. پیراهن ۳. چادر^۲ و مراد از خمار روسری های بزرگی بوده است که روی سر می انداخته اند و مسلماً قرص صورت با آن پوشیده نمی شده است.
ب. در صحیحه علی بن جعفر حضرت فرمود: «تغطی رأسها» و این عبارت فقط دلالت بر وجوب پوشاندن سر می کند و دلالت بر وجوب پوشاندن صورت نمی کند و اگر لازم بود که صورت نیز پوشانده شود باید حضرت می فرمودند.

دلیل استثناء دست و پا تا میچ

روایات وجوب ستر، قاصر از دلالت بر وجوب ستر دست و پا تا میچ هستند و صحیحه علی بن جعفر^۳ هم فقط دلالت بر وجوب پوشش پا دارد ولی مقدار آن را بیان نکرده است.

Sco ۱: ۶: ۵۰

تطبيق

۲. و اما ان العورة في حق الرجل ما ذكر دون ما زاد كالعجان^۱ فيكفي لنفي الزيادة عدم الدليل عليها، و لإثبات المقدار المذكور صحیحة زرارة^۲ الواردة فيمن سلبت ثيابهما و أراد الصلاة: «... و ان كان رجلا وضع يده على سواته ثم يجلسان فيوميان ايماء و لا يسجدان و لا يركعان فيبدو ما خلفهما^۳...»^۴

۱. «المرأة ليس لها إلّا ملحفة واحدة كيف تصلى؟ قال: تلتف فيها و تغطي رأسها و تصلى فإن خرجت رجلها و ليس تقدر على غير ذلك فلا بأس» (وسائل الشيعة؛ باب ۲۸ من ابواب لباس المصلى، حديث ۲).

۲. «قال: ابو عبد الله (عليه السلام): تصلى المرأة في ثلاثة اثواب: ازار و درع و خمار...» (وسائل الشيعة؛ باب ۲۸ من ابواب لباس المصلى، حديث ۸).
۳. در کتاب معجم رجال الحديث و طبقات الرجال؛ ج ۱۲، ص ۳۱۱ آمده است «علی بن جعفر: وقع بهذا العنوان في أسناد كثير من الروايات تبلغ ثلاثمائة و خمسة و خمسين موردا. فقد روى عن أبيه عليه السلام، و أخيه أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام، و أبي إبراهيم عليه السلام، و أبي الحسن الأول عليه السلام، و أبي الحسن الرضا عليه السلام، و عن الحكم بن بهلول، و عن عبد الملك بن قدامة، و محمد بن مسلم، و معتب أو غيره. و روى عنه أبو قتادة، و أحمد بن محمد بن عبد الله، و أحمد بن محمد بن علي، و أحمد بن موسى، و إسماعيل بن همام، و الحسن بن علي بن عثمان بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام، و الحسين بن عيسى بن عبد الله، و زكريا بن يحيى بن النعمان الصيرفي [المصري، و سليمان بن حفص، و عبد الله بن الحسن، و عبد الله بن الحسن حفيده، و علي بن أسباط، و علي بن محمد بن حفص القمي أبو قتادة، و العمرى، و العمرى بن علي، و العمرى بن علي الخراساني، و العمرى بن علي النيسابوري، و العمرى البوفكي، و العمرى الخراساني، و العمرى النيسابوري، و عيسى بن عبد الله، و محمد بن عبد الله بن مهرا، و موسى بن القاسم، و موسى بن القاسم البجلي، و موسى بن القاسم بن معاوية، و يعقوب بن يزيد، و جد عبد الله بن الحسن.»

اما اینکه عورت در مورد مرد همان است که ذکر شد (آلت مردانگی، بیضتین و مقعد) نه بیشتر، مانند بین بیضتین و مقعد، همین که دلیلی بر زیادی وجود ندارد، برای نفی زیادی کافی است و برای اثبات مقداری که ذکر شد، صحیحه زراره در مورد کسی که لباس هایش درآورده شده و می خواهد نماز بخواند کافی است. در این صحیحه حضرت فرمود: اگر کسی که می خواهد نماز بخواند مرد است دستش را بر آلت خود قرار می دهد و می نشیند و برای رکوع و سجده اشاره می کند تا پشت او ظاهر نشود.

۳. و اما تحدید عورة المرأة فی الصلاة بما ذکره المشهور. و یمكن استفادته من صحیحة علی بن جعفر عن أخیه موسی علیه السلام: «المرأة لیس لها إلتاً ملحفة واحدة کیف تصلی؟ قال: تلتف فیها و تغطي رأسها و تصلی فإن خرجت رجلها و لیس تقدر علی غیر ذلك فلا بأس».

اما معین کردن عورت زن به آن مقدار که ذکر، شد قول مشهور فقهاء می باشد و می توان آن را از صحیحه علی بن جعفر از برادرشان امام موسی کاظم (علیه السلام) استفاده کرد. در این صحیحه از حضرت سوال شد زنی است فقط یک ملحفه دارد چگونه نماز بخواند؟ حضرت فرمود: خود را در آن پیچد و سرش را بپوشاند و نماز بخواند و اگر پایش از آن خارج شد و بر غیر آن ملحفه قدرت نداشت اشکال ندارد.

و اما جواز ابراز الوجه بالمقدار المذكور، فلروایات الخمار، ففی موثقة ابن ابی یعفر: «قال: ابو عبد الله (علیه السلام): تصلی المرأة فی ثلاثة اثواب: ازار و درع و خمار...» بل قد یستفاد ذلك من التعبير بجملة «تغطي رأسها» الوارد فی الصحیحة السابقة.

اما الکفان و القدمان فیکفی لاثبات استثنائهما القصور فی المقتضى.

و ذیل صحیحة علی بن جعفر المتقدمه لا یدل علی وجوب ستر جميع الرجل عند القدرة بل علی وجوب سترها فی الجملة.

و اما جواز ابراز صورت به مقداری که ذکر شد به خاطر روایات (روسری) است. در موثقه ابن ابی یعفر چنین آمده است: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «زن در سه لباس نماز می خواند: لباس سرتاسری، پیراهن و خمار..» بلکه می توان از جمله «تغطي رأسها» هم که در صحیحه گذشته آمده بود استفاده کرد که پوشاندن صورت واجب نیست.^۵

۱. بین مقعد و بیضتین را عجان گویند.

۲. در کتاب شعب المقال فی درجات الرجال؛ ص ۸۰، در مورد زراره آمده است: زرارة بن أعین بن سُنْسَن (بضم السینین المهملتین بینهما نون ساکنه و فی آخره نون) الشیبانی، شیخ من أصحابنا فی زمانه، متقدم، فقیه، متکلم، شاعر اَدیب، ثقة صدوق، اجتمعت فیهِ خلال الفضل و الدین، و ما دلّ من الأخبار علی ذمّه لا یعبأ به بعد معارضته بما هو أصحّ سنداً و أكثر عدداً، روی عن ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام، و عنه ابن ابی عمیر عن بعض أصحابه، و هو من حواری محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهما السلام.

۳- وسائل الشیعه؛ باب ۵۰ من ابواب لباس المصلی، حدیث ۶.

۴- علت تشبیه بودن افعال در این فقره از حدیث این است که در صدر فرض زن بودن مصلی را بیان کرده حال حکم زن و مرد را با هم بیان می کند.

۵- زیرا اگر علاوه بر پوشاندن سر پوشاندن صورت هم واجب بود، باید حضرت می فرمود: «تغطي رأسها و وجهها».

و ذیل صحیحہ علی بن جعفر -هم که گذشت- دلالت بر وجوب پوشاندن همه پا در صورت قدرت نمی کند، بلکه فی الجمله^۱ دلالت بر وجوب ستر پا می کند، (ولی دلالت بر مقدار آن ندارد.)

مستند حکم چهارم

مشهور بین فقهاء اعتبار اباحه در لباس و مکان نمازگزار است، هر چند روایتی که دلالت بر این مطلب باشد وجود ندارد.^۲

اما در مورد مقدار لباس که چه اندازه از آن باید مباح باشد اختلاف شده است؛ بعضی گفته اند کل لباس باید مباح باشد ولی بعضی دیگر فرموده اند باید مقداری از لباس که ساتر عورت است مباح باشد. دلیلی که برای اباحه لباس ذکر کرده اند این است که ستر در نماز واجب است و به همین خاطر نمی تواند ساتر مغضوب باشد؛ زیرا محال است که حرام مصداق برای واجب باشد؛^۳ به بیان دیگر لباس غضبی که مصداق برای غضب حرام است نمی تواند مصداق برای ساتر که واجب است باشد. از این استدلال می توان نتیجه گرفت که فقط آن مقدار از لباس که ساتر است باید مباح باشد، زیرا فقط این مقدار واجب است.

تطبيق

۴. و اما الاباحه فالمعروف اعتبارها فی اللباس المصلی و فی مکانه بالرغم من عدم وجود روایة تدل علی ذلك. اما لباسه فقد اختلف فی المقدار اللازم اباحته، فقيل باعتبارها فی جميع اللباس. و قيل باعتبارها فی خصوص ما يتحقق به ستر العورة دون ما زاد.

^۱ اصطلاح فی الجمله در مقابل اصطلاح بالجمله است که به معنای مفصل و کامل است، بنا بر این فی الجمله به معنای مجمل و جزئی می باشد.
^۲ البته طبق بعضی از روایات مباح بودن لباس شرط صحت نماز نیست هر چند غضب حرام می باشد همان طور که در کافی به فضل بن شاذان نسبت داده است که انه کان یقول: «لو ان رجلا غضب ثوبا أو أخذه و لبسه بغير اذنه فصلی فیہ لكانت صلاته جائزة و كان عاصیا فی لبسه ذلك الثوب لأن ذلك ليس من شرائط الصلاة لأنه منهي عن ذلك صلى أو لم يصل...»
^۳ ادله دیگری برای شرطیت اباحه ذکر شده است مثل ا- ما ذكره جماعة منهم الشيخ النائيني من ان الهوى الى الركوع جزء من الصلاة و حيث انه حركة غضبية للثوب فيكون محرما و من ثم باطلا، و بطلان الجزء يستلزم بطلان الكل. و توجيه جزئية الهوى: ان الركوع يبتدأ من حين الهوى و هو جزء منه و لا يبتدأ من بعد الهوى لان القيام المتعقب بالركوع- أى الحاصل بعده الركوع- ركن. و عنوان القيام المتعقب بالركوع لا يتحقق إذا لم يكن الهوى جزءا من الركوع للزوم حصول فاصل بين القيام و الركوع باجنبي و المفروض ان الركن الواجب هو القيام المتصل به الركوع، و هكذا الكلام بالنسبة للهوى إلى السجود. و فيه: ان الحركة إلى الركوع و السجود تغاير حركة الثوب فالاولى قائمة ببدن المصلی و الثانية بالثوب، و مع اختلاف المحل لا تكون واحدة ليقال ان الحركة إلى الركوع و السجود مع افتراض كونها غضبية محرمة تقع باطلة و لا تكون مصداقا للواجب. أجل الحركتان متقارنتان و ليستا متحدتين. ب- ان الركوع و السجود علتان لتحريك الثوب، و حيث ان علة المحرم محرمة فيلزم حرمتها و من ثم بطلانها لأنها عبادة. و فيه: ان علة الحرام لا تكون محرمة إلا إذا كانت علة تامة، و الركوع و السجود ليسا كذلك إذ عدم نزع الثوب مقارنا للركوع جزء أيضا لعلة التحرك.

و قد يستدل على الاعتبار بان التستر حيث انه واجب في الصلاة فلا، يجوز ان يكون بالمغصوب لاستحالة ان يكون الحرام مصداقا للواجب. و نتيجة ذلك اعتبارها في خصوص الساتر للعبوة.^۱

اما اباحه معروف بين فقهاء اعتبار آن در لباس و مكان نمازگزار است؛ على رغم اینکه روایتی که دلالت بر آن کند وجود ندارد.

اما در مقداری از لباس که لازم است مباح باشد اختلاف وجود دارد؛ بعضی گفته اند کل لباس باید مباح باشد و بعضی دیگر گفته اند فقط مقداری از لباس که با آن ستر عورت محقق می شود باید مباح باشد نه بیش از آن. و استدلال شده است بر اعتبار اباحه لباس به اینکه، از آنجایی که پوشش در نماز واجب است، جائز نیست که پوشش با لباس غضبی باشد؛ زیرا محال است که حرام مصداق واجب باشد. و نتیجه این استدلال این است که اباحه فقط در خصوص ساتر عورت واجب است نه بیشتر.

Sco ۲:۲۰:۴۳

مستند حکم پنجم، ششم، هفتم و هشتم

دلیل این چهار حکم وجود روایات خاصه در مورد هر کدام از آنها است.

تطبيق

۵. و اما اعتبار عدم كونه من أجزاء ما لا يؤكل لحمه^۲ فلموثقة ابن بكير: «سأل زرارَةَ أبا عبد الله عليه السلام عن الصلاة في الثعالب و الفنك و السنجاب و غيره من الوبر فأخرج كتابا زعم انه املاء رسول الله صلى الله عليه و آله ان الصلاة في وبر كل شيء حرام أكله فالصلاة في وبره و شعره و جلده و بوله و روثه و كل شيء منه فاسد...»^۳.

اما دليل اینکه لباس نباید از اجزا حیوانی که گوشتش خورده نمی شود باشد موثقه ابن بکیر است که در آن آمده است (زراره از امام صادق علیه السلام درباره نماز در لباسی که از پشم روباه، فنک (روباه خال دار) و سنجاب و دیگر حیوانات است پرسید: پس حضرت کتابی را در آورد که گمان برده می شد املاء رسول خدا است) که در آن نوشته شده بود: نماز خواندن در پشم، مو، پوست، بول، سرگین و هر چیزی از حرام گوشت فاسد است.

۶. و اما اعتبار ان لا يكون من أجزاء الميتة فلموثقة ابن بكير المتقدمة حيث ورد في ذيلها: «فان كان ممّا يؤكل لحمه فالصلاة في وبره ... و كل شيء منه جائز إذا علمت انه ذكي».

اما دليل اینکه لباس نمازگزار از اجزاء مردار نباشد به خاطر موثقه ابن بکیر است که قبلاً گذشت؛ زیرا در ذیل آن آمده بود: اگر از حیوانی باشد که گوشتش خورده می شود پس نماز در مویش (صحیح است)... و هر چیزی از آن جائز است زمانی که علم به تذکیه آن داشته باشی.^۱

۱. بر این استدلال اشکال شده است که و فیه: ان التستر ليس واجبا بل الواجب نتیجتاً و هو الانستار، و لا محذور في كونه واجبا و مقدمته محرمة. على ان التستر ليس واجبا مولوياً بل شرطياً، و لا محذور في كون المحرم مصداقا للواجب الشرطي.

۲. البته اگر از اجزائی باشد که روح در آن حلول نکرده است اشکال ندارد به خاطر صحیحة الحلبي: «لا بأس بالصلاة فيما كان من صوف الميتة، ان الصوف ليس فيه روح» و بعموم التعليل يتعدى إلى غير الصوف

۳. وسائل الشیعة: باب ۲ من ابواب لباس المصلی، حدیث ۱

۷. و اما عدم جواز لبس الذهب للرجال فلموثقة عمّار عن أبي عبد الله عليه السلام: «لا يلبس الرجل الذهب و لا يصلّي فيه لأنه من لباس أهل الجنة»^۲ و بضمّ قاعدة النهی عن العبادة مفسد لها^۳ یثبت فساد الصلاة. و وجه التخصیص بالرجال اختصاص الموثقة بذلك.

اما اینکه پوشیدن طلا برای مرد جائز نیست به خاطر موثقه عمار از امام صادق (علیه السلام) است که حضرت فرمود: مرد طلا نمی پوشد و در آن نماز نمی خواند؛ زیرا طلا از لباسهای اهل بهشت است. و با ضمیمه کردن این قاعده که نهی از عبادت مفسد عبادت است ثابت می شود که نماز با لباس طلا برای مرد، باطل است. و دلیل اینکه این حکم مختص به مردها است، این صحیحه می باشد، چون حضرت فرمود: بر مرد پوشیدن طلا حرام است.

۸. و اما انه لا يكون من الحرير الخالص فلمکاتبه محمد بن عبد الجبار: «کتبت إلى ابی محمد علیه السلام أسأله هل يصلّي في قلنسوة حرير محض أو قلنسوة ديباج؟ فکتب علیه السلام: لا تحل الصلاة في حرير محض»^۴ و اما التخصیص بالرجال فلموثقة سماعة: «لا ينبغي للمرأة ان تلبس الحرير المحض و هي محرمة ...» فان التخصیص بحالة الاحرام قد يفهم منه الجواز في غيرها.

اما دلیل اینکه لباس نمازگزار نباید از حریر خالص باشد، به خاطر مکاتبه^۵ محمد بن عبد الجبار است در این مکاتبه آمده است که «به امام ابی محمد (علیه السلام) نوشتم و پرسیدم آیا نماز در کلاه حریر و ابریشم صحیح است؟ حضرت در جواب فرمود: نماز در حریر خالص صحیح نیست.»^۶ اما علت تخصیص این حکم به مردها به خاطر موثقه سماعة است که حضرت فرمود: «سزاوار نیست برای زن در حال احرام لباس حریر بپوشد»^۷ از اینکه حضرت عدم جواز و پوشیدن حریر برای زنها را مختص به حال احرام کردند، جواز آن در غیر حالت احرام فهمیده می شود.

Score: ۲۷: ۴۸

۱ - کافی؛ ج ۵، ص ۳۱۳.

۲ - وسائل الشیعه؛ باب ۳۰ من ابواب لباس المصلی، حدیث ۴.

۳ - این یک قاعده اصولی است و مقتضایش آن است که نهی از عبادت دلالت بر فساد آن می کند زیرا در عبادت قصد قربت شرط است و در صورت نهی شارع و حرمت آن عمل انسان دیگر نمی تواند قصد قربت بکند.

۴ - در کتاب شعب المقال فی درجات الرجال؛ ص ۱۲۷ در مورد محمد بن عبد الجبار آمده است «محمد بن عبد الجبار القمی، ثقة، هو ابن ابی الصهبان، من أصحاب ابی الحسن الثالث علیه السلام، روی عنه أحمد بن إدريس، و هو عن ابن بکیر».

۵ - مکاتبه به روایاتی گفته می شود که شخص سوال خود را در نامه ای می نوشته و به دست حضرت می داده است و حضرت جواب آن سوال را مر قوم می فرموده اند.

۶ - وسائل الشیعه؛ باب ۱۶ من ابواب لباس المصلی، حدیث ۴.

۱. باید ساتر عورت باشد.
۲. مقداری از لباس که ساتر عورت است باید مباح باشد.
۳. نباید از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد.
۴. نباید از اجزاء مردار باشد.
۵. لباس مرد نباید از طلا باشد.
۶. لباس مرد نباید از حریر خالص باشد.
- شرائط لباس نماز گزار

چکیده

۱. مراد از عورت مرد، آلت مردانگی و بیضتین و مقعد اوست.
۲. مراد از عورت زن، تمام بدن او غیر از دست و پا تا میچ و قرص صورت اوست.
۳. فقط مقداری از لباس که ساتر عورت است باید مباح باشد.
۴. لباس نمازگزار نباید از اجزاء حیوان حرام گوشت و مردار باشد.
۵. لباس مرد نمازگزار نباید از طلا و حریر خالص باشد.